

در روابط اجتماعی‌مان کم نگذاریم

چیزی که اکنون بیش از گذشته با آن سر و کار داریم و در محاورات روزمره با آن به نوعی دست به گریبانیم اینکه امروزه زمان و فرصت لازم برای انجام بسیاری از کارها و امور زندگی را نداریم. این موضوع تنها شامل افراد شاغل و مدیران و کارمندان نمی‌شود، بلکه حتی خانم‌های خانه دار، دانشجویان و دانش‌آموزان و... هم مبتلا به آن هستند.

اینکه که ما سرمان شلوغ است و شرایط اقتصادی و اجتماعی و... جامعه هم مزید بر علت شده، یک طرف؛ اما آنچه نباید در این میان قربانی شود ارتباطات و مراودات اجتماعی است که امروز بیش از گذشته رنگ باخته و باید برای این مسأله مهم چاره‌اندیشی کرد.

به نوعی هرکدام از ما پذیرفتیم که تعاملات و روابط اجتماعی رودر رو و چهره به چهره با شیوع [ویروس کرونا](#) و توسعه شبکه‌های اجتماعی مخصوصاً در بین خانواده‌ها و دوستان در قیاس با گذشته کمرنگ‌تر شده و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هژمونی و سلطه خود را دیکته کرده‌اند و تا حد زیادی هم از این موضوع گریز و گزیری نیست.

اینکه ما باید تابع محض فضای مجازی و مصرف‌کننده صرف باشیم آیا درست است یا خیر؟ قطعاً تکنولوژی و به دنبال آن برنامه‌های شبکه اجتماعی که می‌تواند به جامعه و روابط انسانی و اجتماعی کمک کند به خودی خود، قابل اغماض و مقبول است، چرا که بسیاری از کارها با آمدن تکنولوژی‌های نوین ارتباطات تسهیل شده و در مدیریت زمان هم اثرگذار بوده که به نوبه خود هم ارزشمند است و ایرادی بر آن وارد نیست.

اینجاست که باید در نظر داشته باشیم مبادا آنچنان غرق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شویم که دنیای حقیقی و واقعی را به بوته فراموشی بسپاریم، که متأسفانه باید قبول کرد بخش عمده جامعه مخصوصاً جوانان و نوجوان مسحور دنیای مجازی شده‌اند و نمی‌توان هم خیلی به آنها خرده گرفت. در این خصوص روانشناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی بهتر می‌توانند نسخه تجویز کنند و راه و چاه را نشان بدهند.

اما آنچه نگارنده را به نوشتن این مطلب ترغیب کرد، تبعات استفاده از فضای مجازی نبوده، بلکه نوع استفاده و جایگزین کردن مناسب و مطلوب از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در تعاملات اجتماعی

است، اگر ما فرصت پیدا نمی‌کنیم که یک دوست یا همکار یا هم‌دانشگاهی سابق را ملاقات کنیم، اگر پیام کتبی یا پیام صوتی برای او می‌فرستیم باید تا حد زیادی حق مطلب را ادا کنیم. اگر پیامی به دست ما می‌رسد و اظهار محبت دوست یا یکی از اعضای خانواده که بعضاً مسافت زیادی هم باهم داریم دریافت می‌کنیم، بدون تردید او هم منتظر است که پیامی پر مهر و محبت را دریافت کند. شاید برای هرکدام از ما بارها اتفاق افتاده باشد که یک متن بلند بالا برای دوستی فرستاده ایم که حتی پاسخ سؤالات متداول روزمره که (خوبید؟ چه خبر؟ و...) را نداده و با یک (ایموجی و استیکر) رفع تکلیف کرده، که خود همین رفتار سرد هم باعث گسل در دوستی‌ها و رفاقت و حتی کمرنگ شدن روابط اجتماعی و خانوادگی شده است.

هیچ وقت یادم نمی‌رود یکی از استادان خوب و محترم دانشگاه، پاسخ تلفن‌ها و پیامک‌هایش را در اولین فرصت ممکن می‌داد و یک بار با تعجب از ایشان پرسیدم آقای دکتر! چطور با این همه مشغله پاسخگوی تماس‌هایتان هستید؟ جواب داد: من خودم میدانم چقدر گرفتارم، ولی طرف مقابل من احتمالاً شرایط من را خوب درک نکند و این پاسخگویی من کمترین احترامی است که به طرف مقابلم می‌گذارم.

مخلص کلام اینکه مبادا به بهانه اینکه سرمان شلوغ است و درگیریم از خانواده، بستگان و دوستی که احتمال دارد در بستر بیماری باشد سراغی نگیریم و اگر توانستیم حال دلی را خوب کنیم بدون شک اولین نفری که از این حس خوب خشنود و راضی خواهد بود خود ما هستیم. اگر از تعاملات چهره به چهره به هر دلیل معذوریم و از وسایل ارتباطی بهره می‌گیریم به جای ارسال ایموجی و استیکر یک پیام صوتی یا تماس تلفنی بهتر می‌تواند حالمان را خوب کند. به یاد داشته باشیم احترام گذاشتن و تواضع کسی را کوچک نخواهد کرد. فراموش نکنیم مبادا با سهل‌انگاری، در روابط اجتماعی مان خللی به وجود بیاید و کم بگذاریم.

امیر بشیرنژاد

دانش آموخته دکترای مدیریت رسانه